

تاریخ علم، دوره ۱۸، شماره ۲، پاییز و زمستان ۱۳۹۹، ص ۵۲۱-۵۳۸

مقاله علمی-ترویجی

کتابخانه دارالعلم شاپور در بغداد (۳۸۳-۴۵۱ ق) و تأثیر آن بر ارتقای سطح علوم در قرون چهار و پنج هجری (با تأکید بر دانش طب)

امیرحسین دائمی*

کارشناس ارشد ...، دانشگاه علوم پزشکی تبریز

amirhosseindaemi1358@gmail.com

حسین نامداری

دانشیار، ...، دانشگاه علوم پزشکی تبریز

namdar.hn@gmail.com

مجید خلیلی

مربی، ...، دانشگاه علوم پزشکی تبریز

khalili876@gmail.com

(دریافت: ۱۴۰۰/۰۱/۱۰، پذیرش: ۱۴۰۰/۰۲/۰۶)

چکیده

سده‌های چهار و پنج هجری، مقارن با عصر استیلای خاندان بویه بر دستگاه خلافت بغداد است. این خاندان شیعی علاقه زاید الوصفی به نشر دانش در ممالک تحت سلطه خود داشتند و تمام تلاش خویش را مصروف حمایت از دانشمندان و ترویج علوم کردند. مهم‌ترین نمود این رفتار را در بغداد - به عنوان مرکز خلافت اسلامی - می‌توان دید، امیران و وزرای این دولت با توجه ویژه به ارتقای دانش در تمام زمینه‌ها و حوزه‌های شناخته شده آن روزگار توانستند با شدتی بیشتر، تکاپوی علمی صورت گرفته در عصر هارون و مأمون عباسی را تجدید نمایند و با روحیه رواداری علمی و اعتقادی، دارالعلم‌ها را به عنوان ادامه تاریخی بیت‌الحکمه و خزانه‌الحکمه، به مکانی امن برای پژوهش و تحصیل و تدریس دانشمندان مبدل کنند. در این میان برخی از مراکز همچون «دارالعلم شاپور» به همت بانی فاضل و متولیان دانشمندش به مکان مناسبی برای گردهمایی مهم‌ترین دانشمندان آن روزگار مبدل شد که علاوه بر بحث و مناظرات علمی، ارزشمندترین تألیفات خویش را در کتابخانه مفصل آن مرکز، در دسترس جویندگان علم و دانش قرار داده بودند. از جمله دانش‌هایی که توانست به مدد ساختار اداری و علمی دارالعلم شاپور مجالی برای ارتقا و تکامل بیابد دانش پزشکی است که کثرت کتاب‌های محفوظ در آن مرکز و به‌ویژه وقف

۵۲۲ / تاریخ علم، دوره ۱۸، شماره ۲، پاییز و زمستان ۱۳۹۹

آثار مهمّ طبّی پزشکان بزرگ آن روزگار اهمّیتی مضاعف بدان بخشیده بود. پژوهش حاضر، تلاشی است جهت بازنمایاندن نقش پررنگ کتابخانه «دارالعلم شاپور» در گسترش دانش‌ها، به ویژه علم طبّ در سده‌های چهار و پنج هجری.

کلیدواژه‌ها: آل بویه، بغداد، دارالعلم شاپور، طب اسلامی، کتابخانه.

مقدمه

خلافت عباسی از جهات مختلف تأثیر مهم و جریان‌سازی بر گسترش علوم در جهان اسلام داشته است. واقعیت‌های تمدنی این دوران مشتمل بر عناصر و ویژگی‌هایی است که رشد و توسعه دانش‌های مختلف را باعث شدند، از مهم‌ترین این عناصر می‌توان به موارد ذیل اشاره کرد:

- رویکرد جدی به ترجمه متون؛
- ورود کاغذ به سرزمین‌های اسلامی و سپس تأسیس کارخانه‌های کاغذسازی؛
- ایجاد مراکز استنساخ و رونویسی از کتب، یا به طور مستقل یا در محدوده کتابخانه‌های عمومی و خصوصی؛
- تحوّل سازمان اداری و دستگاه دیوان‌سالاری؛
- تحولات مربوط به فنون کتابت و نوآوری در شیوه‌های مختلف خطاطی؛
- توسعه مجالس بحث و مناظره و گفتگو در باره یافته‌های مختلف علمی؛
- حمایت گسترده و مستمر خلفای عباسی یا حکام محلی و پادشاهان قدرتمندی نظیر آل‌بویه و دیلمیان و سامانیان و غزنویان از جنبش‌های علمی و دانشمندان (مکی، ۱۳۸۳، ۳۶۲-۳۶۳).

در تاریخ اسلام سده‌های چهار و پنج هجری را می‌توان از حیث تکامل علوم و ظهور علمای بزرگ، جزء مهم‌ترین ادوار اسلامی دانست. در این دو قرن بزرگ‌ترین دانشمندان مسلمان در هریک از شاخه‌های علوم عقلی و نقلی ظهور کردند. این امر بیش از هر چیز به حمایت‌های حکومت‌های آن عصر از دانش و دانشمندان وابسته است. علاوه بر آنکه غلبه عناصر ایرانی بر دستگاه خلافت بغداد تحوّل شایان توجهی در رویکرد کلی جهان اسلام نسبت به دانش ایجاد کرد. خاندان‌های ایرانی که در این دوره به حکومت رسیدند افرادی دانشمند یا دانش‌دوست بودند و اغلب وزرای آنها نیز از مشاهیر علما و دانشمندان عصر خود محسوب می‌شدند. افرادی همچون ابوالفضل محمد بن عمید (متوفی ۳۵۹ق)، ابوالقاسم صاحب بن عبّاد (متوفی ۳۸۵ق)، ابومحمد حسن بن محمد بن هارون مهبلی (متوفی ۳۵۲ق)، ابونصر شاپور بن اردشیر بن فیروز شیرازی (متوفی ۴۱۶ق)، ابوعبدالله حسین بن احمد بن سعدان (مقتول ۳۷۵ق) و...

همه از وزرای مشهور آل بویه و هریک، در فنون و علوم روزگار سرآمد بودند. همچنین در میان پادشاهان آل بویه عضدالدوله^۱ و عزالدوله ابومنصور بختیار و تاج الدوله پسر عزالدوله علاوه بر تشویق علما و ادبا، خودشان نیز از علم و ادب اطلاعات بسیار داشتند (صفا، ۱۳۷۸، ۱/۲۶۰). مهم‌ترین نمود این توجه و علم‌گستری، افزایش کمی و کیفی کتابخانه‌ها در سراسر قلمرو پهناور عباسی/بویه است. نقش امرا و وزرای آل بویه در تأسیس کتابخانه‌ها قابل توجه است، این وزرا در طول وزارت خود علاوه بر پرداختن به امور دیوانی و کشوری، در راه ترویج دانش و ادب و هنر می‌کوشیدند و حتی منزل خویش را به محل رفت و آمد علما و دانشمندان تبدیل می‌کردند. در آن دوران، در هر رشته از علم و ادب بهترین و نفیس‌ترین کتاب‌ها نوشته شد و باشکوه‌ترین و مهم‌ترین کتابخانه‌ها و گنجینه‌های علوم به وجود آمد. در شهرهای مختلف ایران و عراق کتابخانه‌هایی وجود داشت که در ادوار بعد کمتر نظیری برای آنها پیدا شد. همچنین جامعه اسلامی در دوران آل بویه گام‌های بلندی در عرصه پیشرفت علمی برداشت و آزادی دینی، فرهنگی و قلمی را به سطحی رسانید که انگیزه پرشوری برای نوابغ علوم و ادب و فرهنگ از مذاهب مختلف اسلامی برای نگارش و تحقیق فراهم آورد (مبارکی، ۱۳۹۱، مقدمه، ۴) به همین جهت آن عصر را «دوران نوزایی فرهنگی جهان اسلام» نامیده‌اند (کریمی زنجانی اصل، ۱۳۸۹، ۱۸).

در مسیر گسترش کتابخانه‌ها مهم‌ترین ویژگی این دو قرن رواج کتب و دسترسی به اغلب نوشته‌های مهم دانشمندان آن روزگار در بازارهای وراقان هر شهر بود به طوری که برخی از بازارهای وراقان همچون بازار بغداد علاوه بر آنکه محل تمرکز کتب بسیار در موضوعات مختلف بود محلی برای گردهمایی دانشمندان و بحث و نظر آنها نیز محسوب می‌شد. از این مجامع، می‌توان به حلقه بحث و گفتگوی ابوسلیمان منطقی سجستانی (جدعان، ۱۳۶۶، ۲۳) و مجمع بحث فلاسفه و طبیبان معروف بغداد در بازار وراقان بغداد اشاره کرد. همچنین افرادی چون ابوزکریا یحیی بن عدی منطقی

۱. وصف کتابخانه این پادشاه دانش دوست، از زبان مقدسی خالی از لطف نیست: «گنجوری از بزرگان شهر، بر این کتابخانه اشراف دارد؛ هیچ کتابی نبود که تا آن زمان تصنیف شده باشد و عضدالدوله آن را در کتابخانه‌اش گردنیاورده باشد. در هر سوی آن گنج‌هایی است، به همه دیوارهای دالان و آن گنج‌ها اطاقک‌هایی از چوب منقوش به درازای یک قد و پهنای یک ذرع چسبیده است ... دفترها بر رفها چیده شده‌اند، برای هر دسته از آنها اطاقک‌ها و فهرست‌هایی است ویژه که نام کتاب‌ها در آن ثبت شده است و جز بزرگان، کسی را بدان راه نیست...» (ابن مسکویه، ۱۳۷۶، ۱/۳۶).

کتابخانه دارالعلم شاپور در بغداد .../۵۲۵

(متوفی ۳۶۴ق) - شارح آثار ارسطو - و نظایر او در آن مجالس شرکت می‌کردند و به بحث و نظر و تحقیق در مسائل مختلف علمی و فلسفی می‌پرداختند (توحیدی، ۱۹۹۲م، ۱۴۴) و (صفا، ۱۳۷۸، ۱/۲۶۰). بسیاری از خلفا، پادشاهان، امیران و اشراف توجه بسیاری به تشکیل کتابخانه‌های مجهز و مجلل مبذول می‌داشتند چنان‌که در بغداد، ری، شیراز، اصفهان، بخارا، نیشابور، و... خلفای عباسی و پادشاهان آل بویه و سامانی کتابخانه‌های عظیم تأسیس کرده بودند (همان‌جا).

کتابخانه مشهور بیت الحکمه یا خزانه الحکمه که از دوره هارون (متوفی ۱۹۳ق) ایجاد شده و در عهد مأمون (متوفی ۲۱۸ق) توسعه یافته بود، در قرن چهارم نیز دایر بود چراکه در گزارش‌هایی از ابن ندیم (متوفی ۳۸۵ق) سخنانی در باره آن دیده می‌شود. (۱۷۶). سده چهارم را دوران نمو اندیشه‌های مختلف اسلامی در کنار یکدیگر دانسته‌اند، به‌ویژه این دوران را می‌توان دوران اعتلای اندیشه شیعی در جهان اسلام دانست. در حقیقت گسترش همین گفتمان است که فارغ از تعصبات دینی محملی را فراهم کرد تا علمای مختلف با اندیشه‌های گوناگون، نظرات و دیدگاه‌های علمی خویش را با سایرین در میان بگذارند و بدون واهمه در مجالس بحث و مناظره به اشاعه دیدگاه‌های خویش بپردازند. در آغاز سده چهارم، و در پی نفوذ آل بویه در دستگاه خلافت و به قدرت رسیدن شیعیان، نهضت علمی جهان اسلام، از منظر کمی و کیفی بسیار گسترده شد، و در نتیجه، نیاز به وجود کتابخانه‌های عمومی و مراکزی برای ترویج علوم مختلف به شدت احساس می‌شد (متر، ۱۳۶۴، ۱/۲۱۷-۲۱۸؛ کریمی زنجانی اصل، ۱۳۸۹، ۱۸). در این وضعیت، برخی از بزرگان سیاسی/فرهنگی و دانشمندان شیعه در پرتو حمایت‌های آل بویه و با توجه به آسایش و امنیت حاصل شده، مراکزی را جهت نشر علم و دانش و نگهداری و استنساخ کتاب پایه‌گذاری کردند که در تاریخ با عنوان دارالعلم شناخته می‌شود. این مراکز از منظر کاربردهای پژوهشی و کتابداری چند منظوره بودند و چنان‌که یوسف العش (۱۹۹۱م، ۱۷۴)، پژوهشگر کتابخانه‌های اسلامی نیز تصریح می‌کند، این کتابخانه‌ها به معنای واقعی عمومی بودند و تمام مردم می‌توانستند از خدماتشان استفاده کنند.

تحول مهم دیگر در این عصر که عمده علوم را در جهتی مثبت تحت تأثیر قرار داد، خارج شدن تدریس علوم از مساجد بود. در قرون نخستین اسلامی، مساجد اصلی‌ترین محل تشکیل جلسات درس و بحث بودند، این امر علاوه بر منحصر ساختن مباحث به

رویکردهای مذهبی و دینی از گسترش جلسات مناظره نیز به شدت می‌کاست و حتی آموزش شاخه‌هایی از علوم - به ویژه علوم عقلی - را با اشکال مواجه می‌کرد. در قرن چهارم تدریس علوم از مساجد خارج شد و پایه‌گذاری مراکزی با عنوان دارالعلم و دارالکتب عملاً این مکان‌ها را به صورت مراکز تدریس و مباحثه علمی مبدل کرد. گفته می‌شود برای نخستین بار ابو حاتم محمد بن حبان بستی (متوفی ۳۵۴ ق) مکانی را در باب الرازیین نیشابور به سال ۳۳۷ ق احداث کرد و به تدریس کتب خود پرداخت (سمعانی، ۱۹۶۲ م، ۲۲۵) جدای از این، نخستین دارالعلم را در سال ۳۸۳ ق ابونصر شاپور بن اردشیر بن فیروز وزیر با کفایت آل‌بویه در محله شیعی نشین کرخ بغداد با نام دارالعلم شاپورا پایه‌گذاری کرد. از آن هنگام به بعد، تأسیس دارالعلم‌ها امری معمول در سراسر جهان اسلام گردید به طوری که نهضت ایجاد کتابخانه (دارالعلم) از سنت‌های رایج قرون چهارم و پنجم هجری بوده است. اندکی بعد از بنیان نهادن دارالعلم شاپور، دانشمند و عالم برجسته آن روزگار، ابوالحسن محمد بن الحسین بن موسی معروف به سید رضی (متوفی ۴۰۶ ق) دارالعلمی موسوم به دارالعلم شریف رضی در بغداد تأسیس کرد (متز، ۱۳۶۴، ۱/۳۲۹-۳۳۰؛ مکی، ۱۳۸۳، ۱۳۰) از آن پس، در فاصله‌ای اندک دارالعلم‌ها در سراسر قلمرو اسلامی، به نهادی پویا و تأثیرگذار در نشر علوم و معارف تبدیل شدند که از آن میان می‌توان به نمونه‌های موفقی همچون دارالعلم فاطمیان، دارالعلم بنی‌عمار (= دارالعلم طرابلس)^۲، دارالعلم شریف مرتضی، دارالعلم ابن ابی البقاء، دارالعلم ابن حمدان، دارالعلم عرس النعمه، دارالعلم ابن سیوار، دارالعلم بیت المقدس، دارالعلم ابن مارستانیه، دارالعلم سیف‌الدوله حمدانی، دارالعلم قیروان، دارالعلم ابن شاهمردان و دارالعلم اسکندریه اشاره کرد (کریمی زنجانی اصل، ۱۳۸۹، ۵۰-۵۱).

۱. در متون عربی از این مرکز با عناوین «دارالعلم ساپور»، «دارالعلم شاپور»، «دارالعلم ابونصر بن اردشیر»، «خزانه ساپور»، «مکتبه ابونصر بن اردشیر» و «مکتبه ساپور» یاد شده است.

۲. دارالعلم بنی‌عمار معروف به دارالعلم طرابلس، در سراسر سده پنجم هجری با در اختیار داشتن یک کارگاه بزرگ کاغذسازی در کار انتشار کتاب و در نتیجه در جریان رواج علم و دانش در جهان اسلام، به‌ویژه در مغرب اسلامی مشارکتی فعال داشت (کریمی زنجانی اصل، ۱۳۸۹، ۹۳). در باره تعداد کتب این دارالعلم نیز آمده است: «در باره تعداد کتاب‌های موجود در دارالعلم بنی‌عمار یا دارالحکمه طرابلس اختلاف نظر است، صحیح‌ترین قول آن است که حدود ۱۰۰ هزار جلد موجود بود، برخی حتی یک میلیون جلد و بیشتر نیز گفته‌اند» (کرده‌علی، ۱۹۸۳ م، ۱۹۱/۶).

دارالعلم: کتابخانه و مرکز پژوهشی پیشرو در نشر علوم اسلامی
از لحاظ ساختاری، دارالعلم نهادی فرهنگی/پژوهشی است که می‌توان آن را حلقه اتصال خزانه الحکمه و بیت الحکمه (در عصر اول عباسی) با مدرسه (از قرن پنجم هجری به بعد) محسوب کرد (محمدی و پرویش، ۱۳۹۳، ۱۷۷) در اواخر قرن سوم و اوایل قرن چهارم هجری با زوال تدریجی نهادهای بیت الحکمه و خزانه الحکمه، دارالعلم‌ها وظیفه حفظ میراث‌های علمی و نشر دانش را برعهده گرفتند (العش، ۱۹۹۱م، ۱۷۳).

بررسی مدارک تاریخی، بیانگر این واقعیت است که دارالعلم‌ها ساز و کاری مبتنی بر وقف داشتند، چند منظوره بودند و از لحاظ اداری جنبه رسمی داشتند. هسته اصلی هر دارالعلم کتابخانه‌ای مفصل^۱ از انواع کتب دینی، علمی و فنی بود که با تأکید بر سه عنصر پژوهش، آموزش و مباحثه، علاقه‌مندان و دانشمندان را به سوی خود فرا می‌خواندند. علاوه بر این، تشکیل جلسات منظم بحث و مناظره و اعطای مقرری به استاد و شاگرد از ویژگی‌های بارز این مراکز بوده است (کریمی زنجانی اصل، ۱۳۸۹، ۱۵). به علت اهمیت روزافزون دارالعلم‌ها باید بیشتر کتابخانه‌های بغداد را طی قرن چهارم و پنج قمری، جدای از فعالیت‌های کتابداری، مراکز مهم پژوهشی قلمداد کرد که از سراسر جهان اسلام اهل علم و مشتاقان را جذب می‌کردند و ضمن فراهم ساختن رفاه معیشتی، ابزارها و ملزومات مطالعه و تحقیق را در اختیارشان می‌گذاشتند. نمونه‌های بارز این مراکز دارالعلم شاپور، دارالعلم شریف رضی، دارالعلم صابی، و بعدها دارالعلم ابن المارستانی (= فخرالدین ابوبکر عبیدالله بن ابی الفرج تیمی بکری، متوفی ۵۹۹ق) هستند (اسماعیل پاشا بغدادی، ۱۹۵۱م، ۶۴۹/۱؛ مکی، ۱۳۸۳، ۳۱۷). نکته شایان توجه آن است که علاوه بر کتابخانه‌های مذکور بسیاری از بزرگان و اهل علم نیز در بغداد صاحب کتابخانه‌های خصوصی در منازل خویش بودند از جمله کتابخانه‌های محمد بن عمر واقدی، ابوجعفر محمد بن عبدالملک الزیّات، ابو یوسف یعقوب بن

۱. به علت اهمیت کتابخانه در هسته مرکزی دارالعلم، در بسیاری از متون تاریخی نام دارالعلم تحت الشعاع کتابخانه قرار گرفته و به صورت دارالکتب و خزانه الکتب نامیده شده است، چنان‌که دارالعلم شاپور در بغداد را خزانه الکتب سابور و دارالعلم فاطمیان را در قاهره دارالکتب فاطمیان و دارالعلم ابن سوار در بصره را خزانه الکتب ابن سوار یا دارالکتب ابن سوار نیز خوانده‌اند (یاقوت حموی، ۱۹۹۵م، ۵۳۴/۱؛ قلقشندی، ۱۹۷۳م، ۲۷۸/۱؛ ابن ندیم، ۱۴۱۷ق، ۱۷۱؛ مقدسی، ۱۴۱۱ق، ۴۱۳).

اسحاق الکندی، جاحظ، عضدالدوله دیلمی، ابن ندیم و خطیب بغدادی و... (همان، ۳۱۷)

امروزه شاید بتوان مهم‌ترین ویژگی دارالعلم‌ها را تساهل و رواداری^۱ حاکم بر محیط پژوهشی دانست. با اینکه بنیان‌گذاران دارالعلم‌ها رویکردی شیعی یا متمایل به آن مذهب داشتند اما در این نهاد پذیرش استادان و پژوهشگران منحصر به علمای مذهب شیعه نبود بلکه در کنار علمای قرائت قرآن، فقیهان و اهل حدیث، از ستاره‌شناسان، علمای لغت، ریاضی‌دانان و به‌ویژه پزشکان نیز برای سکونت در این دارالعلم‌ها دعوت می‌شد و جلسات بحث و مناظره میان مذاهب گوناگون اسلامی با آزادی در جریان بود و کتابخانه‌های دارالعلم منبعی برای نگهداری کتب دانشمندان تمامی مذاهب آن روزگار محسوب می‌شد (مقریزی، ۱۴۱۸ق، ۱/۴۵۸). به عنوان مثال گزارش‌های موثقی در دست است که در کتابخانه دارالعلم ابن سوار در بصره کتاب‌هایی در موضوعات ادب، امثال نبی، زندگی‌نامه ائمه شیعه^(ع)، قصص، کلام معتزلی، گیاه‌شناسی، هواشناسی و طب وجود داشته است (کریمی زنجانی اصل، ۱۳۸۹، ۵۷).

با این وجود، دوران شکوه دارالعلم‌ها چندان نپایید، در کشاکش معادلات قدرت و در میانه درگیری‌های فراگیر فرقه‌ای مورد کینه سایر مذاهب قرار داشتند، حملات صلیبیون از اواخر قرن پنجم هجری و قدرت‌گیری حکومت‌های متعصب مذهبی نظیر غزنویان و سلجوقیان نیز مزید بر علت گردید و در نتیجه دارالعلم‌ها مسیر سقوط و زوال را پیمودند. سقوط آل‌بویه توسط طغرل سلجوقی در سال ۴۴۷ق ضربه سهمگینی بر پیکره علوم عقلی نیز محسوب می‌شد (فقیهی، ۱۳۷۸، ۶۲) چراکه از آن روزگار است که نخستین بارقه‌های مخالفت با علم‌گرایی آغاز گردید و با غارت و به آتش کشیدن دارالعلم‌ها تکمیل گردید چنان‌که بسیاری از دارالعلم‌ها از جمله دارالعلم شاپور و دارالعلم بصره از آتش خشم متعصبان برکنار نماندند. اندکی بعد نهاد مدرسه توسط حکام سنی به جای دارالعلم جایگزین شد و متولیان این نهاد جدید کوشیدند از تجربیات حاصل از آن در جهت برآوردن اهداف اعتقادی/سیاسی/اجتماعی و فرهنگی خود بهره بگیرند و اینگونه بود که نابودی دارالعلم‌ها به لحاظ تاریخی، با تأسیس مدارس جدید مصادف شد، چنان‌که مدرسه نظامیه (تکمیل بنا در ۴۵۹ق) و مدرسه

کتابخانه دارالعلم شاپور در بغداد ۵۲۹/...

مقبره ابوحنیفه در سال ۴۵۹ ق، هشت سال بعد از سوزاندن دارالعلم شاپور افتتاح شدند. (عواد، ۱۹۸۶ م، ۱۴۵؛ کریمی زنجانی اصل، ۱۳۸۹، ۵۴).

بنیان‌گذاری و فراز و فرود تاریخی دارالعلم شاپور در بغداد

بنیان‌گذار دارالعلم شاپور ابونصر شاپور بن اردشیر بن فیروز شیرازی وزیر ایرانی بهاءالدوله دیلمی است که این مرکز را به سال ۳۸۳ ق در محله کرخ در بغداد پایه‌گذاری کرد.^۲ «شاپور» در ابتدا کاتب خاص دربار آل بویه بود و در اثر کفایت و کیاست، از وزاری مهم و صاحب اقتدار آن دولت گردید.^۳ او به نهایت درجه به دانشمندان و اهل علم و ادب احترام و توجه ویژه داشت (ابن خلکان، ۱۹۹۴ م، ۳۵۴/۲) چنان‌که دختر خود را به همسری بزرگ‌ترین دانشمند شیعی آن روزگار، سید رضی درآورده بود (قلقشندی، ۱۹۷۳ م، ۹۷/۱۴؛ کریمی زنجانی اصل، ۱۳۸۹، ۶۳).

احتمالاً دارالعلم شاپور در زمان خود یکی از بزرگ‌ترین کتابخانه‌های جهان محسوب می‌شد که مجموعه عظیمی از آثار و نوشته‌های دانشمندان مختلف تا به آن روزگار را در خود جای داده بود. شاپور نفیس‌ترین کتاب‌های نوشته شده توسط خطاطان مشهور و دانشمندان را بدانجا منتقل کرد. تعداد این کتاب‌ها را ده هزار و چهارصد جلد و گاهی بیشتر آورده‌اند که صد نسخه از این تعداد قرآن‌های نوشته شده توسط افراد مختلف خانواده خطاط مشهور، ابن مقله شیرازی بوده است (همان، ۶۴).^۴ علاوه بر این در کتابخانه دارالعلم گنجینه‌ای از انواع علوم به‌ویژه طب و ریاضی و فلسفه وجود داشت که توسط خطاطان و دانشمندانی که از لحاظ دقت و معلومات وسیع

۱. در بسیاری از منابع معتبر تاریخی این تاریخ ۳۸۳ ق (ثلاث و ثمانین و ثلاثمائه) آمده است (ابن جوزی، ۱۴۱۲ ق، ۳۶۶/۱۴، ۵۰/۱۶؛ ذهبی، ۱۴۱۳ ق، ۱۶/۲۷). برخی از منابع نیز تاریخ ۳۸۱ ق را آورده‌اند (عواد، ۱۹۸۶ م، ۱۴۰؛ کریمی زنجانی اصل، ۱۳۸۹، ۶۳).

۲. مکان دقیق بنای این دارالعلم در محله «بین السورین» بوده است: «ساختمانی را در محله بین السورین در سال ۳۸۱ ق خریداری کردند و کتاب‌ها در هر موضوع و محتوای علمی بدانجا انتقال دادند و نام آن محل را دارالعلم گذاشتند» (ابن جوزی، ۱۴۱۲ ق، ۱۷۲/۱۵).

۳. ابوعلی مسکویه در باره کیاست و درایت ابن وزیر می‌نویسد: «وزیری باتدبیرتر از وی در کل ممالک دیده نشده است...» (ابن مسکویه، ۲۰۰۰ م، ۱۶۶/۷).

۴. البته شائبه‌ای در این تعداد وجود دارد، زیرا کلام ابن اثیر در باره وقایع پس از سوزانده شدن دارالعلم شاپور به نحوی است که معنای مستفاد از آن بیان می‌کند ده هزار و چهارصد جلد کتاب از آتش سوزی سالم مانده است (ابن اثیر، ۱۴۱۷ ق، ۱۶۶/۸).

شان شهره بودند استنساخ می شد و در مخزن کتابخانه برای ارائه به اهل تحقیق نگهداری می شد (العش، ۱۴۱۱ق، ۱۳۴).

نکته بسیار مهم در باره ساز و کار اداره مالی این دارالعلم اتکای آن به درآمدهای وقفی بود. شاپور درآمدهای حاصل از دو مکان در محله کرخ را به این دارالعلم اختصاص داده بود (همان، ۱۴۳). این اموال، صرف پذیرایی از مهمانان و مجاوران کتابخانه، پرداخت حقوق کارمندان و کارکنان دارالعلم و نگهداری از کل مجموعه، و خرید ملزوماتی نظیر قلم، کاغذ، مرکب و غیره می شد. شاپور پس از انتقال کتابهای نفیس و ارزشمند به کتابخانه دارالعلم دستور تهیه فهرستی برای آنها داد. در مقدمه این فهرست وی به انواع کتب موجود در کتابخانه از جمله «الطرائف والأخبار والرسائل وکتب الطب والتنجیم والحکمه والهندسه و...» اشاره می کند و به اجر معنوی خویش در این کار بزرگ اشاره کرده و ناقضان شروط وقف را این گونه لعنت می کند:

خداوند به شاپور بن اردشیر به خاطر این نیت پاکش، جزای خیر دهد و ثواب این عملش را ببیند. و کسی که در این وقفیه کوچک ترین دخل و تصرفی کند، خداوند او را لعنت کند و عذاب الهی وی را فراگیرد (همان، ۱۳۵).

از لحاظ ساز و کار اداری دارالعلم شاپور از دو بخش اصلی: (۱) مدیریت عالی و (۲) مدیریت فنی تشکیل می شد. مدیریت عالی با اشراف مؤسس و هیأت امنای منصوب از سوی او انجام وظیفه می کردند و در مجموع، تولید دارالعلم و امور مربوط به آن را عهده دار بودند. مدیر فنی نیز به امورات داخلی مرکز و تنظیم وظایف کتابداران و نحوه برگزاری جلسات مناظره و ... نظارت داشت. شاپور مدیریت عالی دارالعلم را به هیأت امنایی سه نفره محول کرد: ابی الحسین محمد بن ابی شیبه، ابوعبدالله محمد بن احمد الحسنی البطحای علوی و ابی عبدالله الحسین بن هارون الضبی قاضی وقت بغداد (عواد، ۱۹۸۶ م، ۱۴۰؛ العش، ۱۴۱۱ق، ۱۳۷-۱۳۸) همچنین ابابکر محمد بن موسی الخوارزمی را به نظارت عالی آنجا برگزید (ابن جوزی، ۱۴۱۲ق، ۱۴/۳۶۶؛ عواد، ۱۹۸۶ م، ۱۴۰).

در طول دوران فعالیت دارالعلم شاپور دانشمندان و کاتبان بزرگی نیز مسئولیت کتابخانه این مرکز را بر عهده داشتند، از جمله ابواحمد عبدالسلام بن الحسین البصری (متوفی ۴۰۵ق) معروف به واجکا که افزون بر کتابداری دارالعلم، عالم لغوی، متبحر در قرائت قرآن، محدث و سراینده شعر نیز بود (العش، ۱۴۱۱ق، ۱۴۹؛ کریمی زنجانی

کتابخانه دارالعلم شاپور در بغداد.../۵۳۱

اصل، ۱۳۸۹، ۶۷) و ابوالعلاء معری در رساله الغفران از وی یاد کرده است (معری، ۱۳۲۵ق، ۱۸۴). کتابدار مهم دیگر ابومنصور محمد بن علی بن اسحاق بن یوسف کاتب (متوفی ۴۱۴ق) است که ابوالعلاء معری او را مابین سال‌های ۳۹۹ تا ۴۰۰ق ملاقات کرده است. در زمان کتابداری این فرد زنی سیاه پوست به نام توفیق السّوداء کار خارج کردن کتاب‌ها از مخازن را برعهده داشت (همان، ۷۳). از کتابدار دیگری به نام ابومنصور محمد بن احمد بن طاهر بن احمد کرخی شیعی (متوفی ۵۱۰ق) نیز در تاریخ، یاد شده است (عسقلانی، ۱۹۷۱م، ۳۸/۵) شخصیت برجسته دیگری که مدتی کتابدار دارالعلم شاپور بود ابویوسف یعقوب بن سلیمان اسفراینی است که پس از به آتش کشیده شدن دارالعلم شاپور کتابدار مدرسه نظامیه شد و در سال ۴۸۸ق در گذشت (العش، ۱۴۱۱ق، ۱۴۱).

تسهیلات ارائه شده برای اهل تحقیق، مقرری و جایزه‌های مناسب، آزاداندیشی و رواداری حاکم بر فضای کتابخانه و گنجینه نفیس و کاربردی کتاب‌ها سبب شده بود بسیاری از دانشمندان با اینکه ساکن بغداد نبودند اما به دلیل اهمیت دارالعلم شاپور زمانی را برای تدریس و مباحثه با سایر دانشمندان مطرح آن زمان در این دارالعلم بگذرانند، چنان که ابوالقاسم عبدالله بن محمد بن ناویا البغدادی (متوفی ۴۸۵ق)، عالم لغوی و قرآن پژوه بزرگ، علی بن فضال بن علی بن غالب معروف به فرزذقی (متوفی ۴۷۹ق) را به هنگام تدریس صرف و نحو و فقه اللغه، اغلب در دارالعلم شاپور، ملاقات می‌کرد و با او به مباحثه و مشاعره می‌پرداخت (یاقوت حموی، ۱۴۱۴ق، ۱۸۳۸/۴).

همچنین ابوالعلاء معری نیز از اشخاصی است که مدتی را در این دارالعلم گذرانده است. او تصریح دارد که دارالعلم شاپور موجبات آشنایی او را با بسیاری از دانشمندان فراهم کرده است و امکان بهره‌گیری از مجالس و مباحثات را بدو داده است (کریمی زنجانی اصل، ۱۳۸۹، ۶۹). با این تفصیل باید به درستی اذعان کرد که درالعلم شاپور در دوران خود علاوه بر اینکه حریم امن علوم عقلی و دانشمندان آزاده و پیشرو بوده است به پیشرفت علوم ادبی (= صرف و نحو و فقه اللغه و...) و سایر علوم عقلی مانند طب و نجوم و فلسفه و هندسه و علوم اوایل کمک می‌کرده است. شاپور بن اردشیر به عنوان شخصیتی سیاسی دشمنان بسیار داشت. یکی از گروه‌های مخالف او، یعنی خاندان بنی عبدالرحیم، که برخی از آنها همچون جعفر بن ابی الفرج به وزارت آل بویه

نیز رسیدند، در زمان وزارت خود با حمله به این دارالعلم برخی از نسخه‌های خطی نفیس کتابخانه آن را به غارت بردند و تا حدودی به تأسیسات آن آسیب رساندند (العش، ۱۴۱۱ق، ۱۴۶) با این وجود دارالعلم همچنان به حیات پربار خویش ادامه داد. شاپور بن اردشیر در سال ۴۱۶ق در گذشت و بنا به وصیتش تولیت و نظارت دارالعلم به داماد فاضلش ابوالقاسم علی بن حسین بن موسی معروف به شریف مرتضی (متوفی ۴۳۶ق) محول گردید (یاقوت حموی، ۱۴۱۴ق، ۳۵۹/۶).

دارالعلم پس از فوت شاپور نیز به فعالیت‌های خویش ادامه داد و البته از کینه‌توزی و حملات مخالفان بی‌نصیب نبود. این وضعیت تا روزگار قدرت‌گیری طغرل سلجوقی ادامه داشت تا آنکه در سال ۴۵۱ق و در پی اتحاد خلیفه عباسی با طغرل، اهل سنت به واسطه قدرتی که این اتحاد بدان‌ها بخشیده بود به محله کرخ حمله کردند و به قتل عام شیعیان و غارت اموال آنها و هتک نوامیس پرداختند. دارالعلم شاپور نیز به آتش کشیده شد (إصفهانی، ۱۳۱۸ق، ۱۷) و برای چند روز نفایس خطی و کتاب‌های ارزشمند آن غارت می‌شد یا در آتش می‌سوخت. ابن اثیر مورخ مشهور، گزارش دردناک و عبرت‌آموزی از این واقعه ارائه می‌دهد (ابن اثیر، ۱۴۱۷ق، ۱۶۶/۸).

متولی آن زمان دارالعلم شاپور شیخ الطائفه حسن بن محمد طوسی بود که پس از این رخداد به ناچار به سوی نجف اشرف حرکت کرد و بنیان حوزه علمیه نجف اشرف را در آن شهر، پی افکند (العش، ۱۴۱۱ق، ۱۴۶). پس از خاموش کردن آتش عمیدالملک کندی با ورود به صحن دارالعلم، جماعت غارتگر را متفرق کرد و آنگاه بهترین آثار باقی مانده را جدا کرد و به خراسان فرستاد (ابن اثیر، ۱۴۱۷ق، ۱۶۶/۸؛ عواد، ۱۹۸۶م، ۱۴۴-۱۴۵؛ کریمی زنجانی اصل، ۱۳۸۹، ۷۰-۷۱). بدین ترتیب، پس از نزدیک به ۶۸ سال، یکی از مهم‌ترین مراکز پژوهشی و کتابخانه‌های جهان اسلام، که باعث افتخار هر اهل علمی است در فراز و فرودهای سیاسی و در اثر تعصبات و کینه‌های آشکار و پنهان، به خاموشی گرایید.

کتابخانه دارالعلم شاپور و تأثیر آن بر توسعه دانش پزشکی

دانش طب در عصر عباسی از جهات مختلف با پیشرفت‌های چشمگیر همراه بود. اهتمام خلفا به امور بهداشتی و پزشکی، گسترش شهرها، نهضت ترجمه متون طبی از یونانی و سریانی و هندی و پهلوی به عربی، برقراری ارتباط با دانشگاه‌های مهم آن روزگار همچون دانشگاه جندی شاپور و مواردی از این قبیل سبب شد عصر عباسی

کتابخانه دارالعلم شاپور در بغداد .../۵۳۳

دوران پررونقی برای گسترش و ارتقای سطح دانش پزشکی باشد (عبّاس نژاد و باطنی، ۱۳۹۳، ۴۰-۴۵). در این میان، بغداد به عنوان پایتخت و مرکز خلافت اسلامی جایگاه ویژه ای داشت، بیمارستان‌های این شهر در دوران عباسیان به وسیله پزشکان ایرانی شاغل در دانشگاه جندی شاپور تأسیس شدند، گزاره نخواهد بود اگر گفته شود خاندان‌های ایرانی در ایجاد آنها تأثیر اساسی داشتند (تاج بخش، ۱۳۷۹، ۲۸).

وجود بیمارستان‌ها و مراکز درمانی مجهزی همچون بیمارستان الرشید، بیمارستان برمکیان، بیمارستان بدر، بیمارستان علی بن عیسی، بیمارستان ابن فرات، بیمارستان سیده، بیمارستان مقتدری، بیمارستان بجکم، بیمارستان معز الدوله بن بویه دیلمی، بیمارستان عضدی و بعدها بیمارستان نظامیه و بیمارستان تثنیه و بیمارستان مستنصریه گواه روشنی بر اهمیت طب و بهداشت در بغداد عصر عباسی است (باطنی و همکاران، ۱۳۹۸، ۱۰۰-۱۱۰).

در بغداد، به همان نسبت که طب از نظر کمی ارتقا می‌یافت، ساز و کارهای ویژه ای نیز اندیشیده بودند تا سطح کیفی دانش پزشکی را نیز ارتقا دهند. به همین دلیل پیش از صدور جواز اشتغال به طبابت از پزشکان امتحان گرفته می‌شد و تنها در صورت قبولی در آزمون، افراد شایسته گواهی اشتغال به طب دریافت می‌کردند. مطابق دستورالعمل صادره از سوی مقامات ارشد پزشکی در بغداد پزشکان این شهر موظف بودند یک نسخه از داروهای تجویز شده به هر بیمار را نزد خود بایگانی کنند. همچنین هر یک از پزشکان در یک رشته صاحب تخصص بودند، برای مثال تخصص‌هایی همچون جراحی، شکسته‌بندی، حجامت و رگ زنی، داغ کردن و درمان سرپایی بیماران ... در میان اطباء وجود داشت (مکی، ۳۵۲ و ۳۵۳).

برگزاری آزمون‌های منظم محرک مهمی برای گرایش به پژوهش و مطالعه کتب طبّی بود و عملاً بخشی از مخازن کتابخانه‌ها را به نگهداری از انواع متون طبّی به زبان‌های سریانی و عبری و یونانی و پهلوی و ... اختصاص داده بودند. گزارش‌های فراوانی در دست است که بسیاری از پزشکان و محققان پس از تأسیس دارالعلم شاپور به سمت آن جلب شدند. هدایا و دستمزدهای گزافی که از سوی شاپور برای تحقیقات این قبیل افراد اختصاص می‌یافت این جلب توجه را تشدید می‌کرد. کار تا بدانجا پیش رفت که بسیاری از اهل علم و دانشمندان معروف آن روزگار، آثار مهم خود را برای استفاده عموم جویندگان طب، وقف کتابخانه دارالعلم شاپور می‌کردند. مهم‌ترین گزارش

در این باره به وقف مجموعه طبّی جبرئیل بن عبیدالله بن بُختیشوع (متوفی ۳۹۶ ق) مربوط است (ابن ابی اَصْبِیْعَه، ۱۹۴۲ م.، ۲۰۹؛ کریمی زنجانی اصل، ۱۳۸۹، ۶۴). این طبیب ایرانی نژاد فارسی‌دان از خاندان مشهور اطبای آن روزگار آل بُختیشوع بود، در بغداد، پزشکی را فراگرفت و در دوران حکومت آل بویه در آن شهر و مدتی در ری به طبابت مشغول شد، وی پس از بنای بیمارستان عَضُدی بغداد توسط عضدالدوله دیلمی، مسؤلیت آنجا را برعهده داشت (تاج بخش، ۱۳۷۹، ۳۴). قفطی در این باره می‌نویسد:

زمانی که عضدالدوله وارد بغداد شد و تجدید بنای بیمارستان نمود، برای جبرئیل دو حقوق تعیین کرد، یکی حقوق خاصه شامل سیصد درهم شجاعیه و یک حقوق نیز از جهت بیمارستان شامل سیصد درهم شجاعیه، و این علاوه بر حقوق جاریه‌اش بود و هر هفته دو روز و دو شب، ملازم دربار عضدالدوله بود (۱۱۷).

این پزشک عالی‌قدر زمانی نیز در ری برای معالجه صاحب بن عبّاد اقامت داشت و به درخواست او رساله‌ای در باره خون نوشت. همچنین معروف‌ترین اثر خویش، الکنّاش کبیر معروف به الکنافی فی الطب را در همان شهر نوشت. پس از بازگشت به بغداد نسخه‌ای از آن را وقف دارالعلم شاپور کرد^۱ که از روی آن، اطبا و پژوهشگران طبّ، تدریس و درمان می‌کردند و به علت همین کتاب، او را ابوعلی صاحب کنّاش نامیدند.

علاوه بر ابوعلی، آثار پزشک مشهور قرن چهارم ابوالحسن احمد بن محمد الطبری، طبیب رکن الدوله دیلمی نیز در کتابخانه دارالعلم شاپور نگهداری می‌شده است. این پزشک عالی‌قدر کتاب مشهورش المعالجات البقراطیه را در ده جزء، حاوی معالجات انواع امراض در اعضاء مختلف آدمی، تألیف کرد. نسخه‌هایی از این کتاب در کتابخانه‌های مشهور بغداد از جمله کتابخانه دارالعلم شاپور موجود بوده است.

نتیجه

قرون چهار و پنج هجری الگویی مثال‌زدنی برای توسعه علم در تاریخ اسلام محسوب می‌شوند، به این معنا که وجود حکام و دولتمردان دانش‌دوست، آرامش نسبی محیط و

۱. برخی از پژوهشگران به اشتباه، دارالعلم شاپور را همان بیمارستان بغداد (= عضدی؟) فرض کرده‌اند (تاج بخش، ۱۳۷۹، ۳۵).

حمایت از دانشمندان و پژوهشگران زمینه‌بارزی برای توسعه حوزه‌ها و شاخه‌های مختلف علوم بوده است. بغداد در این محدوده زمانی جایگاه ممتازی در گسترش علوم دارد. وجود بیت‌الحکمه و خزانه‌الحکمه نشاط علمی چشمگیری را در این شهر پدید آورد که اندک زمانی بعد با تأسیس دارالعلم‌ها به اوج رسید.

از مجموع ده‌ها دارالعلم که در دوران آل‌بویه در سراسر جهان اسلام به همت وزرا یا دانشمندان شیعی پایه‌گذاری شد، مشهورترین آنها دارالعلم شاپور در بغداد بود. این دارالعلم با کتابخانه‌ای مجهز و مفصل، و مبتنی بر درآمدهای وقفی در مدتی قریب به ۶۸ سال (۳۸۳-۴۵۱ ق) پایگاه مستحکمی برای ترویج علوم، و پاسخگویی نیازهای پژوهشی دانشمندان مسلمان و غیر مسلمان از سراسر قلمرو اسلامی بود. در حوزه طب، کتابخانه این مؤسسه مجموعه‌ای ارزشمند از آثار طبّی - تألیف یا ترجمه - در اختیار داشت که پاسخگویی بسیاری از نیازهای تحقیقاتی اطباء آن روزگار بود. نکته مهم دیگر پذیرش آثار علمی دانشمندان آن روزگار - از جمله در حوزه طب - به عنوان موقوفه در کتابخانه دارالعلم شاپور بوده است، چنان‌که گزارش‌هایی در تاریخ از وقف مجموعه مفصل پنج جلدی در طب موسوم به الکناش الکبیر اثر جبرئیل بن عبیدالله بن بختیشوع در دست است، وقف این قبیل آثار در کتابخانه شاپور سهولت استفاده و بهره‌مندی دانشجویان و پژوهشگران را به نظایر چنین کتبی تضمین می‌کرد و عملاً عامل مهمی در توسعه دانش طب در قرون مذکور بود.

منابع

- ابن ابی أُصَیْبِعَه. (۱۹۴۲م). عیون الأبناء فی طبقات الأطباء. بیروت: نشر دار مکتبة الحیاة.
- ابن اثیر. (۱۴۱۷ق). الکامل فی التاریخ. عمر عبدالسلام تدمری. بیروت: نشر دارالکتاب العربی.
- ابن جوزی، جمال الدین أبو الفرج. (۱۴۱۲ق). المُنْتَظَم فی تاریخ المملوک والأُمَم. محمد عبدالقادر عطا و مصطفی عبدالقادر عطا. بیروت: نشر دارالکتب العلمیه.
- ابن خلکان. (۱۹۹۴م). وفيات الأعیان وأنباء أبناء الزمان. إحسان عباس. بیروت: نشر دار صادر.
- ابن مسکویه. (۲۰۰۰م). تجارب الأُمَم و تعاقب الهمم. ابوالقاسم امامی. تهران: انتشارات سروش، چاپ دوم.
- _____ (۱۳۷۶ش). تجارب الأُمَم. علی نقی منزوی. تهران: انتشارات توس.
- ابن ندیم. (۱۴۱۷ق). الفهرست. ابراهیم رمضان. بیروت: نشر دارالمعرفه، الطبعة الثانية.
- اذکابی، پرویز. (بهمن و اسفند ۱۳۷۳ش). «کتابخانه‌ها و دانش‌خانه‌های اسلامی». آینه پژوهش. شماره ۲۹ و ۳۰، ۹۴-۹۸.
- اسماعیل پاشا بغدادی. (۱۹۵۱م). هداية العارفين. بیروت: نشر بالأوفست دارإحياء التراث العربی.
- إصفهانی، عمادالدین محمد. (۱۳۱۸ق). تاریخ دولة آل سلجوق. قاهره: نشر شركة طبع الكتب العربیة.
- باطنی، غلامرضا؛ خلیلی، مجید؛ حیدریان، صالح. (۱۳۹۸ش). تاریخ بیمارستان و درمانگاه در ایران و سرزمین‌های اسلامی. تبریز: انتشارات دانشگاه علوم پزشکی و خدمات درمانی.
- تاج بخش، حسن. (۱۳۷۹ش). تاریخ بیمارستان‌های ایران از آغاز تا عصر حاضر. تهران: انتشارات پژوهشگاه علوم انسانی و مطالعات فرهنگی.
- توحیدی، ابی‌حیّان. (۱۹۹۲م). المقایسات. حسن السندویبی. کویت: نشر دار سعاد الصباح.
- جدعان، فهمی. (فروردین و تیر ۱۳۶۶ش). «فلسفه ابوسلیمان منطقی سجستانی». ترجمه اسماعیل سعادت. مجله معارف، شماره ۱۰، ۲۳-۴۶.
- ذهبی، شمس‌الدین. (۱۴۱۳ق). تاریخ الإسلام و وفيات المشاهیر والأعلام. عمر عبدالسلام التدمری. بیروت: نشر دارالکتاب العربی، الطبعة الثانية.
- سمعانی. (۱۹۶۲م). الأنساب. عبدالرحمن بن یحیی المعلمی الیمانی. حیدرآباد دکن: نشر مجلس دائرة المعارف العثمانیه.
- صفا، ذبیح‌الله. (۱۳۷۸ش). تاریخ ادبیات در ایران. تهران: انتشارات فردوس، چاپ پانزدهم.
- عسقلانی، أبو الفضل. (۱۹۷۱م). لسان المیزان. بیروت: نشر مؤسسه الأعلمی للمطبوعات، الطبعة الثانية.

کتابخانه دارالعلم شاپور در بغداد .../۵۳۷

عبّاس نژاد، فریدون؛ باطنی، غلامرضا. (۱۳۹۳ش). ریح رشیدی تبریز در مسیر تاریخ پزشکی ایران. تبریز: انتشارات دانشگاه علوم پزشکی و خدمات درمانی تبریز با همکاری انتشارات پزشکی شروین.

العشّ، یوسف. (۱۴۱۱ق). دُور الکتب العربیه العامّة وشبه العامّة لبلاد العراق والشام ومصر فی العصر الوسیط. بیروت: نشر دارالفکر المعاصر.

عوّاد، کورکیس. (۱۹۸۶م). خزائن الکتب القدیمة فی العراق منذ أقدم العصور حتّی سنة ۱۰۰۰ للهجرة. بیروت: نشر دارالرائد العربی، الطبعة الثانية.

فقیهی، علی اصغر. (۱۳۷۸ش). تاریخ آل بویه. تهران: انتشارات سمت. قفطی، جمال الدین. (۲۰۰۵م). إخبار العلماء بأخبار الحکماء. ابراهیم شمس الدین. بیروت: نشر دارالکتب العلمیة.

قلقشندی، أحمد بن علی. (۱۹۷۳م). صبح الأعشی فی صناعة الإنشاء. بیروت: نشر دارالکتب العلمیة.

گردعلی، محمد بن عبدالرزاق. (۱۹۸۳م). خُطَط الشام. دمشق: نشر مکتبة النوری، الطبعة الثالثة. کریمی زنجانی اصل، محمد. (۱۳۸۹ش). دارالعلم های شیعی و نوزایی فرهنگی در جهان اسلام. تهران: انتشارات اطلاعات، چاپ دوم.

مبارکی، مریم. (۱۳۹۱ش). دانش های شیعه در عصر آل بویه. پایان نامه برای دریافت درجه کارشناسی ارشد، دانشکده ادبیات و علوم انسانی دانشگاه آزاد اسلامی واحد تهران مرکزی. متز، آدام. (۱۳۶۴ش). تمدن اسلامی در قرن چهارم هجری. ترجمه علیرضا ذکاوتی قراگزلو. تهران: انتشارات امیرکبیر، چاپ دوم.

محمدی، ذکراالله؛ و پرویش، محسن. (پاییز و زمستان ۱۳۹۳ش). «دارالعلم های دوره آل بویه و نقش آن در شکوفایی و ارتقاء علم و دانش». دوفصلنامه تاریخ نامه ایران بعد از اسلام، سال ۴، شماره ۷، ۱۷۳-۱۹۵.

معری، أبوالعلاء أحمد. (۱۳۲۵ق). رسالة الغفران. ابراهیم الیازجی. مصر: نشر مطبعة أمین هندیة بالموسکی.

مقدسی، أبو عبدالله. (۱۴۱۱ق). أحسن التقاسیم فی معرفة الأقالیم. قاهره: نشر مکتبة مبدولی، الطبعة الثالثة.

مقریزی، تقی الدین احمد. (۱۴۱۸ق). المواعظ والاعتبار بذكر الخطط والآثار. بیروت: نشر دارالکتب العلمیة.

مکی، محمدکاظم. (۱۳۸۳ش). تمدن اسلامی در عصر عباسیان. محمد سپهری. تهران: انتشارات سمت.

١٣٩٩ / ٥٣٨ تاريخ علم، دورة ١٨، شماره ٢، بايز و زمستان ١٣٩٩

ياقوت حموى. (١٤١٤ق). ارشاد الأريب إلى معرفه الأديب. إحسان عباس. بيروت: نشر دارالغرب
الإسلامى.

_____. (١٩٩٥م). مُعْجَمُ البُلْدان، بيروت: نشر دارصادر، الطبعة الثانية.